



پیارے عورتوں

شرائط و

سلام



«پیشران» زندگی چیست؟

جلسه پنجم — هفدهم آبان ۱۴۰۰

أمیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمودند:

رَحِمَ اللهُ ... عَلِمَ مِنْ أَيْنَ؟ وَ فِي أَيْنَ؟ وَ إِلَى أَيْنَ؟

« ما », « جلوه و مظهر حیاتِ إلهی » هستییم،

و با « ارادهٔ او »,

و برای « آزمایش » به « دنیا » آورده شده‌ایم.

انسان، برای رسیدن به « **حیاتِ طیبه** »،

و « **عبور** » از این « **دنیا** » و « **جسر** »

بسیار « **چسبنده** و **لغزنده** و **پُرچالش** »،

« **نیروی محرکه** و **پیشرانِ قوی** » لازم دارد.

پنج « عاملِ لغزش » در دنیا:

اعْلَمُوا : أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا:

١- لَعِبٌ

٢- وَ لَهْوٌ

٣- وَ زِينَةٌ

٤- وَ تَفَاخُرٌ...

٥- وَ تَكَاثُرٌ...

(حديد/٢٠)

۱- « **لعب** »، کاری بیهوده برای « **لذتی موقتی** »،

۲- « **لهو** »، تمایلی « **غافلانه** برای **لذت خیالی** »،

۳- « **زینت** »، عاملِ افزایشِ « **چسبندگی** » افراد و اشیاء،

و هر مانعِ « **رشد** و **سیر** و **تحوّل** و **کمال** » افرادِ بشر.

پرسش ۱:



چه «زینتی» مجاز نیست؟

هر « آرایش و زیور و تزئین و هنری » که
بر « چسبندگی دنیا » در « ذهن » افراد بیفزاید،
و « توجّه » آنها را از « حقّ » به خود منحرف کند،
و باعثِ « غفلت » آنها شود،
زینتی¹² « فریبنده » و « غیر مجاز » است.

هر کاری که « منطق عقلی و شرعی » ندارد،
« جذّابیت و خوشایند » بودن آن، « نفسانی » است:

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ

كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (محمد/۱۴)

یا آنکه بر حجتی از نزدِ خدای خویش است مثلِ آنست که بدی

^{۱۳}کردارش برایش آراسته شده و هوسهایش را پیروی کرده‌اند

مانند: « محاسبات خیالی دشمنان حق » که « پوچ » است:

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَّنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا

وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ

وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا (فتح/۱۲)

بلکه پنداشتید که رسول و مؤمنین هرگز به « خاندانشان » بر نمی‌گردند
و این^{۱۴} (پندار) در دل‌هاتان نشست و بدگمان شدید و شما مردمی لایقِ هلاکت هستید.

« هنرهای غیر مجاز » می‌توانند « ملّتی » را « گمراه » کنند:

وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا

لَهُ خُورٌ أَلَمَ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا؟

اتَّخَذُوهُ وَ كَانُوا ظَالِمِينَ (اعراف/۱۴۸)

و قوم موسی در نبود او، از زیورهایشان مجسمه گوساله‌ای ساختند که صدا داشت
آیا ندیدند که او با ایشان سخن نمی‌گوید و راه حقّی را به آنها نمی‌نماید؟

آن را (به ستایش) گرفتند زیرا (مردمی) ظالم و ستمکار بودند.

« خطر » هنرهای « حرام »:

مردم را به « ظُلم » و « قتلِ إمام » و « عذابِ الهی » می کشاند:
وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي

أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ؟

وَأَلْقَى الْأَلْوَحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ **قَالَ** ابْنُ أُمِّ إِنْ الْقَوْمَ اسْتَزَعَفُونِي وَكَادُوا **يَقْتُلُونَنِي**

فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ **الظَّالِمِينَ** (أعراف/ ۱۵۰)

وقتی موسی با خشم و اندوه به نزد قومش بازگشت گفت: در نبودم چه بد جانشینی برایم بودید آیا بر عذاب خدایتان پیشی گرفتید؟
و الواح را افکند و [موسی] سر برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید (هارون) گفت ای فرزند مادرم این قوم مرا ناتوان یافتند و می خواستند مرا بکشند پس مرا دشمن شاد مکن و مرا در شمار با ظالمین قرار مده.

« جاذبه‌های پُرهیجان»، «عذاب‌آور و ذلت‌آفرین» هستند:

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ

سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ (أعراف/۱۵۲)

آنهايي که «هنرهای اکشن!» را (به ستایش) گرفتند به زودی خشم الهی و ذلت دنیوی،
به آنها می‌رسد و ما اینگونه «دروغ‌پردازان» را مجازات می‌کنیم.

« هنرهای سمعی و بصری حرام »، جای « خدا » را می گیرند:

قَالُوا: مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَاراً مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ

فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ (۸۷) فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلاً جَسَداً لَهُ خُوارٌ

فَقَالُوا: هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ (طه/۸۸)

گفتند ما به اختیار خود با تو خلاف وعده نکردیم اما مقداری زیورآلات قوم همراه داشتیم و آنها را افکندیم و سامری هم

کمک کرد و برایشان گوساله‌ای صدا دار ساخت. گفتند این خدای شما و خدای موسی است و فراموش کرد.

خودپرستان، « هنرهای هالیوودی » را بجای حقیقت، « می نوشتند »:

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اسْمَعُوا

قَالُوا: سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا

وَ أَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ

قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ (بقره/۹۳)

و آنگاه که از شما پیمان گرفتیم و طور را بر فراز شما برافراشتیم (و گفتیم) آنچه را به شما داده ایم با تمام توان بگیرید و گوش کنید گفتند: شنیدیم و نافرمانی کردیم و به خاطر کفرشان، (مهر) گوساله را نوشیدند بگو: اگر مؤمنید ایمانتان شما را به بد چیزی می کشاند.

ریشهٔ این « شِیفتگی » چیست؟

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
زَيْنًا لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَغْمَهُونَ

(نمل/۴)

آنهائی که (به خاطر نداشتن پیشران) به آخرت ایمان نمی‌آورند
رفتارِ (غلط) آنها را در نظرشان آراستیم
پس آنها (به خاطر سرگشتگی چیزی) نمی‌فهمند.

پرسش ۲:



چه « هنری » مجاز است؟

هر « آرایش و زیور و تزئین و هنری » که

از « تعلق^س » افراد به دنیا، « بکاهد^د »،

و « توجه^ه » افراد را به « حقایق^ق » جلب کند،

و باعث « تحوّل^ل » آنها شود،

زینتی²⁵ « مجاز^ز » و « مفید^ف » و « لازم^م » است:

مثلاً « زينتِ » آسمان، بشر را به « عظمتِ الهی » متوجه می‌کند:

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجاً وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ (حجر/۱۶)

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ (صافات/۶)

.... وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظاً (فصلت/۱۲)

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا (ق/۶)

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ (مُلک/۵)

« مؤمنات » پرچمداران « هنر » اند:

وَقُلْ

لِلْمُؤْمِنَاتِ:

۱- يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ

۲- وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ

۳- وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا

۴- وَ لَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ

۵- وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا:

۶- وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ (نور/ ۳۱)

۱- لِبُعُولَتِهِنَّ ۲- أَوْ آبَائِهِنَّ ۱۳- عَمُو وَ دَائِي

۳- أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ

۴- أَوْ أَبْنَائِهِنَّ ۱۴- داماد

۵- أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ ۷- أَوْ إِخْوَانِهِنَّ

۷- أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ ۸- أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ

۹- أَوْ نِسَائِهِنَّ ۱۰- أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ

۱۱- أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ

۱۲- أَوْ الطِّفْلَ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ

ضرورتِ « هنر نمائی » مؤمنات:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله (در ذیل آیه ۳۱ سوره نور) فرمودند:

خداوند، **زنانی** را که «رو و موی» خود را

برای شوهرشان، «**آرایش نمی کنند**»،

و نیازهای شوهر را برآورده نمی سازند،

«**لعنت**» کرده است. (تفسیر نورالثقلین)

اسلام، طرفدارِ « هنر » است:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ

وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؟

قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

كَذَلِكَ نَفَصَّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (اعراف/۳۲)

بگو: هنری را که خدا برای بندگان پدید آورده و روزیهای پاک را چه عاملی حرام کرده؟

بگو اینها در زندگی دنیا برای اهل ایمان است و روز قیامت خاص آنهاست

این گونه آیات را برای گروهی که می دانند به روشنی بیان می کنیم

يَا بَنِي آدَمَ؛

خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ

وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (أعراف/ ۳۱)

ای مسلمانان؛ «هنر» خود را در هر مسجدی بنمایانید،

و بخورید و بیاشامید اما ساختارشکنی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد.

انواع «زیت»:

زینت سه گونه است:

زینت باطنی،

مثل علم و معرفت و اراده و ایمان و تدبیر و تعهد و اخلاق حسنه.

زینت بدنی،

مانند نیرومندی و آراستگی و ژولیده نبودن و پوشش و انگشتر مناسب.

زینت رفتاری،

مثل: معطر بودن، نمایش قدرت، نمایش سخاوت، همراهی اولاد صالح.

این³⁵ موارد بر «إقتدار اسلام» و رغبت افراد به مسجد می افزاید.

بهترین « زینت » برای مؤمنین:

وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ
وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ **الْإِيمَانُ** وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ
وَكَرِهَ إِلَيْكُمْ **الْكُفْرَ** وَ**الْفُسُوقَ** وَ**الْعِصْيَانَ**
أُولَئِكَ هُمُ الرَّاكِدُونَ (حجرات/۷)

و بدانید که رسول خدا میان شماست اگر در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند قطعا دچار زحمت می شوید
اما خداوند ایمان را برایتان « محبوب » قرار داد و آن را در دلهای شما آراسته نمود
و کفر و پلیدکاری و سرکشی را برایتان ناخوشایند ساخت آنها (که چنین اند) رهیافتگانند.

پریشی ۳:



٢- «تقاخر» یعنی:

اگر فردی به خاطر

« فضائلِ متمایزِ کننده » خود را

« اِمْتیاز » و علامتِ « برتری » خود بیندارد،

و دیگران را با آنها « تحقیر » کند،

گرفتارِ « تفاخر » شده است.

پرسش ۴:



«تفاخر» ممدوح کدام است؟

اگر برای «**تحسین**» و «**تجلیل**» از:

«**عملکرد**» یا «**صفت زیبای**»

یک «فرد» یا یک «مجموعه» و یا «نظام الهی»

«**مباهات**» و «**افتخار**» کنیم،

رفتاری «**مجاز**» و «**ممدوح**» است.

پرسش ۵:



« فضل » یعنی چه؟

خداوند علیم حکیم، علاوه بر:

« نور، آب، هوا، زمین، آسمان و عناصر طبیعت و ... »

که در اختیارِ « همهٔ افراد بشر » قرار داده،

« **ویژگی هائی** » هم به هر « **فرد** » امانت داده

که او را از دیگران « **متمایز** » می کند.

به مجموعه: « **توانائی‌های خاصِ درونی** »

و « **امکاناتِ خاصِ بیرونی** » هر « **فرد** »،

که « **مسئولیتِ خاصّی** » را به عهده او می‌گذارد،

و او باید با « **زکات** » دادن آنها، « **تشکر** » کند،

« **فضائل** » آن فرد گفته می‌شود.

پرسش ۶:



آیا مؤمن باید دنبالِ « فضل » باشد؟

مردم باید در شب و روز، « دنیال إحراز فضائل » باشند:

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ

وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (قصص/۷۳)

بعد از « نماز جمعه » هم دنیال « فضائل الهی » باشید:

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ **وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ**

وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (جمعه/۱۰)

بجای « حسادت » به یکدیگر « فضائل » را از خود خدا بخواهید:

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ **وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ**

إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (نساء/۳۲)

و آنچه را خداوند به بعضی از شما داده (از روی حسادت یا برای تفاخر) « آرزو نکنید »،

و از خدا فضلش را بخواهید که خدا به هر چیزی داناست.

بر خورد مردم با « تفضلات » الهی:

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (آل عمران / ۱۷۰)

به آنچه خدا از فضلش به آنها داده شادمانند و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا: حَسْبُنَا اللَّهُ

سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ (توبه / ۵۹)

کاش آنها به آنچه خدا و رسولش به آنها داده‌اند خشنود می‌شدند و می‌گفتند خدا برایمان کافیست و به زودی خدا و رسولش از فضلشان باز هم به ما می‌دهند و ما به خدا مشتاقیم.

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

هُوَ خَيْرٌ لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (آل عمران / ١٨٠)

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (نساء / ٣٧)

وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ (٧٥)

فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا

وَهُمْ مُّعْرِضُونَ (توبه / ٧٦)

هر « فضلی »، مسؤلیت آور است:

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ
فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ

قَالَ: هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ

وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (نمل / ٤٠)

آنکه دانشی از کتاب داشت گفت: من آن را قبل از آنکه چشم خود را بر هم زنی برایت می‌آورم
پس چون آن را نزد خود مستقر دید گفت:

این از فضل خدای من است تا مرا بیازماید که آیا قدردانم یا ناسپاسی می‌کنم

و هر که قدردان باشد به نفع خود سپاس می‌گزارد و آنکه ناسپاسی کند بی‌گمان خدایم بی‌نیاز و کریم است



خدایا؛

ما را از « **فضائل** » خود بهره‌مند فرما،

و توفیق « **تشکر** » را روزیمان قرار ده

تا از « **مجنوب دنیا** » نشویم

و در ظهور آخرین حجت سهیم باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

